

متن‌شناسی مقابله‌ای و نقش مترجمان در فرهنگ‌نگاری

علی فامیان

۱. مقدمه

تمام کسانی که به نوعی با ترجمه سر و کار دارند به این نکته واقفند که بر پایه دیدگاهی سنتی همواره رابطه میان مترجم و فرهنگ دو زبانه رابطه‌ای یک‌سویه و نابرابر تلقی می‌شود؛ مترجم به عنوان کاربر در برخورد با واژه یا اصطلاحی ناآشنا در متن مبدأ (source text) ناچار است به یک یا چند فرهنگ دو زبانه عمومی یا تخصصی مراجعه کند و مناسبترین معادل را برای آن واژه یا اصطلاح انتخاب کند. از این دیدگاه مترجم مصرف‌کننده‌ای است نامطمئن و ناگزیر و فرهنگ دو زبانه راهنمایی است دست‌و‌دل‌باز و کاملاً قابل اعتماد. این تصور بویژه در میان افرادی که در این عرصه دانش و تجربه کافی ندارند، چنان غالب و رایج است که هرگاه مترجمی معادلی خودساخته یا متفاوت با معادل‌های پیشنهادی فرهنگ‌های دو زبانه انتخاب کند، معمولاً کار او را نتیجه بی‌دقتی و حتی گاه خودنمایی می‌دانند. اما واقعیت این است که حتی اگر در یک مقطع زمانی خاص تمام فرهنگ‌های دو زبانه را کامل و بی‌عیب و نقص فرض کنیم، باز مترجم در گزینش معادل مناسب با مواردی مواجه خواهد شد که هیچ فرهنگ دو زبانه‌ای نمی‌تواند راهگشا باشد. ما در این مقاله ضمن بررسی اجمالی دلایل عمده بروز چنین مواردی می‌کوشیم با تکیه بر چند مفهوم و رویکرد زبان‌شناختی و فرهنگ‌نگاری به نقد این نگرش رایج بپردازیم و سپس بر اساس همین مفاهیم نظری و شیوه‌های کاربردی برای مترجمان نقشی جدید و فعال در فرهنگ‌نگاری آینده تعریف کنیم.

همانطور که اشاره کردیم گاه به دلایلی جست‌وجوی مترجم در فرهنگ‌های دو زبانه برای برابریابی بی‌نتیجه می‌ماند. شاید بتوان چندین علت را در بروز این وضعیت دخیل دانست، اما بدون شک عامل تغییر زبان (language change) که ویژگی ذاتی تمام زبان‌های طبیعی است مهمتر و مؤثرتر از سایر عوامل است.

۲. تغییر زبان

بر پایه اصلی همگانی و کاملاً پذیرفته شده، زبان پدیده‌ای فعال و دائماً در حال تغییر و دگرگونی

است. سرعت تحول در بخشهای مختلف زبان یکسان نیست و مثلاً تغییر در بخشهای آوایی و دستور کندتر و نامحسوستر و در بخش واژگان سریعتر و چشمگیرتر است. سرعت و ابعاد تحول در واژگان زبان به حدی است که تمام گویشوران، حتی افرادی که بی سواد یا کم سوادند، آن را به طور عینی و محسوس و در قالب تفاوت در گفتار و نوشتار دو نسل متوالی مشاهده می کنند. از سویی دیگر وقتی به روند برنامه ریزی، طراحی و تولید فرهنگها توجه می کنیم در می یابیم که این امر معمولاً به زمانی طولانی نیاز دارد. از همین رو هر فرهنگ حتی در همان آغاز انتشار به لحاظ زمانی چند گام از زبان عقب تر است. امکان دارد واژه هایی وارد زبان شده باشد، اما در فرهنگهای دوزبانه عمومی یا تخصصی موجود نباشد، یا ممکن است در فاصله زمانی برنامه ریزی تا انتشار فرهنگها، حوزه معنایی برخی واژه ها دچار کاهش معنایی (narrowing)، یا گسترش معنایی (extension) و یا سایر تغییرات شده باشد. این وضعیت خود به خود ما را متقاعد می سازد تا به مترجم آزادی بیشتری برای انتخاب معادلهای مناسب خارج از فرهنگها بدهیم و در عین حال نسبت به تصور "کاملاً قابل اعتماد بودن" فرهنگها اندکی تردید کنیم و البته این امر را نباید ناشی از ضعف فرهنگ نویس بلکه ناشی از ویژگی ذاتی "تغییر زبان" دانست.

در ارزیابی پدیده "تغییر زبان" می توان به بعضی مفاهیم و عوامل درون زبانی و برون زبانی مانند رانش زبانی (linguistic drift)، قرض گیری (borrowing)، مهاجرت، اعتبار و نظایر آن اشاره کرد. در این میان بویژه در حوزه نوشتار نباید از عنصر خلاقیت و نوآوری نویسندگان غفلت کرد. اصولاً هر نویسنده صاحب سبکی — خواه نویسنده رمان ادبی یا نویسنده پیامهای تبلیغاتی — می کوشد اثری یگانه و بی مانند ارائه دهد و این امر تحقق نمی یابد مگر با کاربرد خلاقانه و اختصاصی واژگان. نویسنده قادر است واژه منسوخ شده ای را از دل تاریخ یک زبان بیرون بکشد، به آن حیاتی نو ببخشد و برای آن شناسنامه ای جدید صادر کند. او می تواند حوزه معنایی واژگان را تغییر دهد و بر حسب ذوق و توانایی خویش و نیز امکانات بالقوه زبان در مفاهیم و معانی ضمنی آنها (connotations) دخل و تصرف نماید. با این حساب تکلیف مترجم چیست؟ کدام فرهنگ دو یا تک زبانه ای است که بتواند پایه پای خلاقیتها و نوآوریهای نویسنده پیش رود؟ باید اعتراف کرد که در این عرصه نیز فرهنگ واژگان چند گام عقب تر از نویسنده حرکت می کند. در این گونه موارد ناچاریم معادل پیشنهادی مترجم را بپذیریم زیرا او تنها فردی است که در روند برگرداندن متن از زبان مبدأ به طور دقیق با دغدغه های ذهنی نویسنده و پیش انگاره ها (presuppositions) و ظرایف مربوط به تغییرات حوزه معنایی واژگان متن مزبور آشنا شده است. از این رو مترجم یک متن بهتر از هر کس دیگر — از جمله فرهنگ نگار — می تواند به برابری واژه هایی در متن اصلی بپردازد که در فرهنگهای دوزبانه موجود نیستند. پیامد منطقی این وضعیت همان چیزی است که پیشتر مطرح نمودیم: "اعطای آزادی بیشتر به مترجم برای گزینش معادلهای خود ساخته یا معادلهایی غیر از موارد پیشنهادی فرهنگها".

۳. فرهنگ‌نگاری

شاید زمانی فرهنگ‌نگاری هنر یا فن قلمداد می‌شد اما امروزه فرهنگ‌نگاری شاخه‌ای فعال و پر رونق از زبان‌شناسی کاربردی (Applied Linguistics) به‌شمار می‌آید که از تمام نظریه‌ها و مطالعات واژگان‌شناسی (Lexicology) بهره می‌گیرد تا نیازهای متنوع و روزافزون کاربران را تأمین کند. بنابه تعریف کیمادا (۱۹۷۲) "واژگان‌شناسی عبارت است از مطالعه واحدهای واژگانی، ویژگی ذاتی، آرایش، ساختار، کاربرد، تغییرات، و روابطی که این واحدها با جهان فrazزبانی برقرار می‌سازند تا از این طریق اهل زبان بتوانند مفهومی را بیان کنند."

اصولاً پیشرفت کمی و کیفی در تولید و عرضه فرهنگهای عمومی و تخصصی، خود نشان‌دهنده ابعاد وسیع نیازی است که از سوی گروه‌های مختلف اعم از زبان‌آموزان، مترجمان، و کارشناسان و محققان رشته‌های مختلف علمی احساس می‌شود. چنین نیاز و تقاضایی در کشور ما نیز وجود داشته است. در گستره کشور ما و زبان فارسی فرهنگ‌نگاری با تعریف امروزی آن قدمتی حدوداً هفتاد ساله دارد. بر اساس پژوهشی در خصوص روند فرهنگ‌نگاری در ایران تعداد کل فرهنگهای عمومی دو یا سه زبانه منتشر شده از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۷۵ بالغ بر ۵۰۰ عنوان و تعداد کل فرهنگهای تخصصی از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۷۰ حدود ۹۰۰ عنوان بوده است (معماریان، ۱۳۷۷). اما ملاک طبقه‌بندی و ارزیابی این فرهنگها چیست؟ با چه معیارهایی می‌توان این مجموعه گسترده را دسته‌بندی و بررسی کرد و سپس در مورد کارایی و اعتبار آنها به قضاوت پرداخت؟

برخی زبان‌شناسان و فرهنگ‌نگاران بر اساس معیارهای مختلف از جمله تجویزی/توصیفی، تاریخی/غیرتاریخی، عمومی/تخصصی، واژگانی/دایرة‌المعارفی و غیره به طبقه‌بندی و تحلیل فرهنگها پرداخته‌اند. عاصی (۱۳۷۷) پس از معرفی طبقه‌بندیهای پیشین و بیان نقاط ضعف هر یک به ارائه چارچوبی جدید می‌پردازد. این چارچوب شامل دوازده متغیر مربوط به مشخصه‌های فرهنگ در سه مرحله عملی تدوین - سیاست‌گذاری، طراحی، تولید - و نیز فهرستی از گروه‌های مختلف کاربر از جمله نویسندگان، روزنامه‌نگاران، مترجمان، معلمان، واژه‌گزینان و غیره می‌باشد. او یکی از متغیرهای مرحله طراحی را "نظریه" می‌داند و بدین وسیله یادآور می‌شود که تدوین فرهنگ زبانی لزوماً باید بر اساس یک "نظریه علمی" انجام گیرد.

ما وقتی فرهنگهای منتشر شده کشورمان را با چارچوب یاد شده تطبیق می‌دهیم، آنگاه به عوامل و دلایل نقاط ضعف آنها پی می‌بریم. اغلب این فرهنگها در مرحله سیاست‌گذاری، کاربران بالقوه خود را شناسایی نکرده‌اند، در زبان تعریف اقسام و واژگانی دچار آشفتگی بوده‌اند و اصولاً در ماهیت نحوی - ساختوازی مدخلها تردید داشته‌اند. اما شاید مهمترین دلیل نابسامانی فرهنگهای گذشته را بتوان فقدان "نظریه و چارچوب علمی" دانست. البته با گسترش کمی و کیفی مطالعات زبان و استفاده از چارچوبهای

علمی در عرصه فرهنگ‌نگاری کشورمان می‌توان به آینده‌ای روشن در این زمینه امیدوار بود و خوشبختانه اندکی تأمل در صورت و محتوای فرهنگهای انتشار یافته در سالهای اخیر، بویژه در حوزه فرهنگهای دو زبانه ما را به بهبود بیش از پیش این وضعیت امیدوارتر می‌سازد.

همان‌طور که اشاره شد یکی از عوامل عمده نابسامانی فرهنگهای گذشته فقدان "نظریه" است. عاصی (۱۳۷۳) در ادامه بحث خود در خصوص متغیرهای دخیل در برنامه‌ریزی، طراحی، و تولید فرهنگهای زبانی از نظریه‌ای تحت عنوان "متن‌شناسی مقابله‌ای" (Contrastive Textology) یاد می‌کند. مادر ادامه به مفهوم و ابعاد کاربردی این نظریه و نیز ارتباط آن با بحث خود می‌پردازیم.

۴. متن‌شناسی مقابله‌ای

"زبان‌شناسی متن (Text Linguistics) شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به خصوصیات تعیین‌کننده متن — آنچه موجب متن بودن (textuality) یک متن می‌شود — می‌پردازد." (کریستال، ۱۹۹۲، ص ۳۸۷). "متن‌شناسی (textology) یا نظریه متن (text theory) نظریه‌ای است در حوزه زبان‌شناسی متن که به بررسی ویژگیهای سازنده متن می‌پردازد" (بوسمن، ۱۹۹۶، ص ۴۸۱). زبان‌شناسان و کارشناسان آموزش زبان دوم از مدت‌ها پیش با اصطلاح "مقابله‌ای" و "تجزیه و تحلیل مقابله‌ای" (Contrastive Analysis) آشنا بوده‌اند، اما رینهارد هارتمن نخستین زبان‌شناسی بود که کوشید مفهوم "مقابله‌ای" را در سطح متن و کلام (discourse) مطرح کند و بدین ترتیب در دهه هشتاد نظریه "متن‌شناسی مقابله‌ای" توسط خود او ارائه گردید. (هارتمن، ۱۹۸۰)

هارتمن از برخی مطالعات قبلی به‌عنوان انگیزه و زمینه‌ساز نظریه خود یاد می‌کند، از جمله: آموزش ترجمه در دهه ۵۰، سبک‌شناسی تطبیقی، مقایسه متن بنیاد ترجمه‌های ادبی، سخن‌سنجی مقابله‌ای (Contrastive Rhetoric)، تحلیل گفتمان تطبیقی، کاربردشناسی مقابله‌ای و برخی رویکردهای دیگر. (هارتمن، ۱۹۹۷، ص ۱۹۷۳)

نکته قابل توجه این است که تمام رشته‌های فوق بر اساس مفهوم بنیادی متون موازی (parallel texts) — نمونه‌هایی قابل مقایسه از گفتمان دو یا چند زبان — پایه‌ریزی شده‌اند. اکنون به توضیح انواع متون موازی و ارائه دو مثال در قلمرو زبان انگلیسی و فارسی می‌پردازیم. با این تذکر که در خصوص این مثالها و نیز طرح کلی مقاله، انگلیسی به‌عنوان زبان مبدأ و فارسی به‌عنوان زبان مقصد در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی متون موازی را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد:

الف) دو متن به دو زبان متفاوت که در دایره‌المعارفها یا سایر منابع موجود در دو زبان، درباره موضوعی واحد نوشته شده‌اند. در این حالت انتظار داریم که برخی معادلهای بالقوه در این گونه متون یافت شود.

ب) دو متن در دو زبان که ترجمه دقیق یکدیگر محسوب می‌شوند، پس هر واژه یا ترکیب در یکی از این دو متن دارای معادلی دقیق در متن دیگر است. مثال الف:

Rabbit: A well-known *lagomorph* mammal which feeds on grass or on other herbage, and burrows in the earth, characterized by long ears and soft fur.

(Thatcher, P. 686)

خرگوش: راسته‌ای از پستانداران *جونده* علفخوار دارای گوش دراز، دم کوتاه و کلفت، دندان‌های پیش اسکنه‌ای و در حال رشد داریم و بدون دندان نیش. این جانوران از برگ، میوه و پوست درختان تغذیه می‌کنند.

(صدری افشار و ... ص ۴۸۳)

متن فارسی فوق از توضیح مدخل "خرگوش" در "فرهنگ فارسی امروز" نوشته غلامحسین صدری افشار و دیگران گرفته شده است. متن قرینه انگلیسی آن نیز از "فرهنگ دایرةالمعارفی وبستر" استخراج شده است. چنانچه رویکردی مبتنی بر "متن‌شناسی مقابله‌ای" را پی بگیریم در می‌یابیم که مثلاً واژه‌هایی مانند پستاندار، گوش، دراز، و تغذیه کردن در زبان انگلیسی چه معادلهایی دارند و یا برعکس، واژه‌های انگلیسی *long, ear, mammal, feed* در فارسی دارای چه معادلهایی هستند. اما این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه واژه‌هایی هستند که فرهنگ‌نگاران، بخصوص مؤلفان فرهنگ‌های عمومی جرأت یا فرصت آن را پیدا نمی‌کنند که به‌طور قاطع معادلی برای آنها پیشنهاد کنند. در متن انگلیسی فوق واژه *lagomorph* به کار رفته که در هیچ‌یک از فرهنگ‌های عمومی انگلیسی-فارسی معادل مشخصی برای آن ذکر نشده است. فرهنگ پنج جلدی انگلیسی-فارسی آریان‌پور به توضیح نسبتاً دقیق این واژه پرداخته است و هر چند این توضیحات برای دانشجویان و متخصصان رشته‌های زیست‌شناسی و علوم مرتبط با جانورشناسی مفید و راه‌گشا است اما در نهایت گریهی از کار مترجم نمی‌گشاید.

واقعیت این است که اندکی دقت در دو متن موازی بالا ما را متقاعد می‌سازد که رد پای معادل واژه *lagomorph* را می‌توان در همین متن فارسی برگرفته از "فرهنگ فارسی امروز" مشاهده کرد: *جونده*. همین مثال به ما نشان می‌دهد که فرهنگ‌نگار قادر است با کنار هم قرار دادن متون موازی برگرفته از فرهنگها، دایرةالمعارفها، کتابها و سایر منابع، معادلهای دقیق دو زبان را شناسایی کند و یادر صورت لزوم با اندکی تغییر در ساختمان واژه به معادلی شایسته دست یابد، چنان‌که اگر فرهنگ‌نگار بخواهد برای *lagomorph* در مفهوم رده‌ای از این‌گونه جانوران معادلی در فارسی بسازد، فقط کافی است پسوند "گان" را به صفت "جونده" بیفزاید: *جوندگان*.

مثال ب:

... language is always **there**, and we make use of it automatically, often without conscious any effort ...

(Falk, 1978, P.3)

... زبان همیشه در دسترس است، و اغلب بدون هیچ تلاش آگاهانه‌ای بی‌اختیار آن را به کار می‌بریم ...

(فالك، ترجمه غلامعلی زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۸)

در اینجا هم باد و متن موازی سر و کار داریم، با این تفاوت که متن فارسی ترجمه دقیق متن انگلیسی است.

در این گونه متون معمولاً بسادگی می توان معادلهای موجود در دو زبان را با هم تطبیق داد: زبان / language. همیشه / always، تلاش / effort و غیره. اما می توان حدس زد که مترجم در برگرداندن مفهوم قید مکان there دچار تردید شده است زیرا او اگر در این مورد خاص معادلهای پیشنهادی فرهنگهای دو زبانه (آنجا، اینجا) را به کار می برد حتماً متهم به نگارش جمله ای خام و ناشیانه می شد. به همین علت مترجم برای گریز از این وضعیت و برای آنکه ترجمه اش با الگوهای رایج نثر فارسی سازگار باشد برای بیان مفهوم there واژه هایی را به کار برده است که چه بسا در تدوین فرهنگ دو زبانه به ذهن هیچ فرهنگ نگاری خطور نمی کند: در دسترس. به اعتقاد نگارنده این سطور ترکیب به کار رفته توسط مترجم در متن بالا کاملاً بجا و معقول است و باید انتظار داشت که در آینده مؤلفان فرهنگهای دو زبانه انگلیسی - فارسی با تکیه بر همین دو متن موازی علاوه بر "آنجا" و "اینجا" معادل "در دسترس" را نیز در مقابل مدخل there درج نمایند. گذشته از این دو متن موازی، شواهد دیگری نیز در زبان انگلیسی سراغ داریم که این پیشنهاد را پذیرفتنی تر جلوه می دهد. به عنوان مثال اگر از فردی انگلیسی زبان بپرسیم Where is ... ?، در صورتی که مکان، شیء یا شخص سؤال شده در آن نزدیکی (در دسترس) باشد، او به طور معمول پاسخ خواهد داد. It/He/She is over there. یعنی مکان، شیء یا شخص مورد نظر در آن حوالی است (در دسترس است).

ما تاکنون رویکردی را توصیه کرده ایم که بر اساس آن مؤلف فرهنگ دو زبانه باید با توجه به متون موازی و مطابق با الگوهای ارائه شده متن شناسی مقابله ای به شناسایی و انتخاب معادلهای دقیق در دو زبان پردازد، اما این رویکرد در عمل با مسأله ای عمده روبروست. واقعیت این است که مطابق شیوه های سنتی، گردآوری، طبقه بندی و دستیابی به حجم عظیمی از متون موازی به زمانی بسیار زیاد و هزینه ای سرسام آور نیاز دارد. بنابراین برای رفع این مشکل روش شناختی (methodology) باید راه حل مناسب ارائه دهیم.

۵. زبان شناسی پیکره

نفوذ و تأثیر خیره کننده فن آوری رایانه در ابعاد گوناگون زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست. کارایی رایانه ها در مطالعات زبانی چنان بارز و چشمگیر بوده که از تعامل زبان شناسی و فن آوری رایانه، علم میان رشته ای "زبان شناسی رایانه ای" (Computational Linguistics) شکل گرفته است. از موارد کاربرد رایانه ها در زبان شناسی می توان از ترجمه ماشینی، فرهنگ نگاری، بررسی های نحوی، گویش شناسی و غیره نام برد. یکی از مهمترین دستاوردهای زبان شناسی رایانه ای معرفی و تثبیت مفهوم پیکره (corpus) و بهره گیری از آن در تحقیقات زبانی است. "پیکره مجموعه ای است از داده های زبانی، خواه به صورت متون نوشتاری و خواه در قالب گفتار ضبط شده." (کریستان، ۱۹۹۲، ص ۸۵) بنابراین "زبان شناسی پیکره به بررسی اصول و شیوه های استفاده از پیکره در مطالعات زبانی می پردازد." (همان،

ص ۸۵) ذکر این نکته لازم است که بخش عمده‌ای از پیکره‌های زبانی رایانه‌ای به متون موازی ترجمه شده اختصاص دارد. به‌عنوان مثال یوهانسون و هافلند (۱۹۹۴) از میان آثار داستانی گوناگون، پیکره‌ای شامل متون موازی ترجمه شده انگلیسی-نروژی گردآوری و ثبت کرده‌اند تا محققان، نظریه‌پردازان، ادیبان و مترجمان به هنگام نیاز به آن مراجعه کنند.

در زمینه استفاده از پیکره رایانه‌ای در فرهنگ‌نگاری انگلیسی-فارسی می‌توان از پژوهش‌های جامع عاصی (۱۹۸۹) که در قالب رساله دکتری تدوین شده است نام برد. عاصی در این تحقیق ضمن بررسی مسائلی از جمله انواع معادلهای، تحلیل مقابله‌ای واژگان و متن‌شناسی مقابله‌ای، متون موازی و فهرستهای بسامدی (concordance)، به طرح چارچوبی دقیق شامل مراحل انتخاب معادل برای فرهنگهای دو زبانه پرداخته است. وی سپس بر اساس همین چارچوب به گردآوری و کدگذاری رایانه‌ای پنج متن موازی انگلیسی و ترجمه فارسی آنها اقدام کرده و به این ترتیب الگویی عینی برای تدوین واژه‌نامه‌های پیکره بنیاد ارائه نموده است.

۶. نقش مترجمان

ما به اجمال روندی را توصیف کردیم که مطابق آن فرهنگ‌نگار در کنار متخصص رایانه برای شناسایی معادلهای دقیق و طبیعی دو زبان به پیکره رایانه‌ای متون موازی و از جمله متون ترجمه شده مراجعه می‌کند. اما این متون موازی ترجمه شده توسط چه کسانی تهیه شده‌اند؟ پاسخ این پرسش کاملاً روشن است و همین جاست که نقش مترجمان در فرهنگ‌نگاری آینده آشکار می‌گردد. واقعیت این است که مثال ب و انتخاب معادل "در دسترس" برای there توسط مترجم متن فوق، نمونه‌ای نادر و عجیب نیست و همه ما با مقابله ترجمه‌های فارسی با اصل آنها با موارد متعددی از این دست روبرو خواهیم شد، مواردی که در آنها مترجمان هیچ‌یک از معادلهای پیشنهادی فرهنگهای دو زبانه را برای متن خود کارساز نیافته‌اند و لذا معادلی دیگر برگزیده‌اند. در ادامه می‌کشیم با ارائه دو مثال دیگر به صورت مشخص تری با نقش سازنده مترجمان در این حوزه آشنا شویم:

... On attack of abominable

nausea ...

۶-۱ ... دچار تهوع وحشتناکی شدم ...

(امامی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸)

متن انگلیسی بالا عبارتی از رمان *لولیتا* (*Lolita*) نوشته ولادیمیر ناباکوف است که کریم امامی بخشی از آن را در کتاب "از پست و بلند ترجمه" در قالب تمرینی برای ترجمه ارائه داده است. توضیحات امامی و ارتباط آن با بحث ما به قدری گویاست که نوشته او را بی هیچ شرح اضافی نقل می‌کنیم:

[... و اما صفت abominable برای تهوع. این صفت در انگلیسی زیاد به کار نمی‌رود، جز در مورد

عبارت قالبی the Abominable Snowman (آدم‌بری کریه) که گویا موجودی است که در

کوه‌های هیمالیا زندگی می‌کند. در هر حال abominable به معنی ۱. 'نفرت‌انگیز' و ۲. 'نامطبوع' است. حییم برای آن 'مکروه' و 'زشت' را پیشنهاد می‌کند. و آقایان آریان‌پور عیناً همین دو واژه را به اضافه 'ناپسند' و 'منفور'. من ترکیب 'تهوع' را با هیچ‌کدام از این صفتها نمی‌پسندم و در ذهن خود به 'تهوع و حشمتناک' می‌رسم، و بعد برای شروع تهوع به این فکر می‌افتم که از 'دچار شدن' استفاده می‌کنم، یعنی: ... دچار تهوع و حشمتناکی شدم ... (امامی، ۱۳۷۲، صص ۸-۱۹۷)

Storytelling is as old as campfires. The need for human beings to cast their experience in narrative form is probably as old as consciousness itself ...

(Stone, 1983)

۶-۲ داستانسرایی به قدمت آتش قبیله است و نیاز بشر به بیان تجربه‌هایش در قالب روایت احتمالاً زمانی در او به وجود آمد که به هویت انسانی^۱ خود پی برد ...

(خزاعی فر، ۱۳۷۴، ص ۹۴)

این دو متن موازی با هدف آموزش نکات عملی ترجمه در شماره ۱۸-۱۷ فصلنامه مترجم چاپ شده است. همان‌طور که می‌بینیم خزاعی فر برای ترکیب 'هویت انسانی' توضیحی با شماره (۱) در نظر گرفته است. اکنون توضیح وی را مرور می‌کنیم:

۱. consciousness را خارج از متن می‌توان 'آگاهی'، 'هشیاری'، 'شعور'، 'خودآگاهی' و 'باخبری از خود' ترجمه کرد و هیچ‌کدام از این کلمات به تنهایی در متن معنی دقیق و روشن و کاملی به ذهن خواننده نمی‌رساند. این کلمه را با توجه به متن تفسیر و ترجمه کردم. به نظر من مراد از consciousness در اینجا آگاهی یافتن بشر از خود در مقام موجودی ممتاز از حیوان است. عبارت آخر همین پاراگراف یعنی consciously human این نظر را تأیید می‌کند ... (خزاعی فر، ۱۳۷۴، ص ۹۵)

۷. نتیجه

همین مثال نشان می‌دهد که مترجم در شناسایی و گاه ابداع و ساخت معادلهای جدید در زبان مقصد مسؤولیتی سنگین به عهده دارد. او تنها فردی است که می‌تواند در خصوص برابریابی و ازگان و اصطلاحات یک متن به قضاوت نهایی بنشیند زیرا تنها اوست که در مدت زمانی معین و اغلب طولانی با ذهنیت نویسنده و حال و هوای متن و ابعاد مختلف موضوع آشنا شده است. بنابراین در فرهنگ‌نگاری آینده در کنار مؤلفان فرهنگهای دو زبانه و کارشناسان رایانه باید به نقش فعال و در عین حال غیر مستقیم مترجمان نیز توجه داشت زیرا همین مترجمان هستند که به عنوان تأمین‌کننده متون موازی دو زبانه و معادلهای طبیعی و دقیق موجود در آنها عمل خواهند کرد. اینجاست که رابطه یک‌سویه ذکر شده در مقدمه مقاله به هم می‌ریزد. در آینده مترجم صرفاً مصرف‌کننده فرهنگ دو زبانه نیست بلکه تولیدکننده آن نیز هست. در واقع هر مترجم با انتخاب معادلی متفاوت با معادلهای فرهنگهای پیشین به طور

غیر مستقیم در تولید، تصحیح و روزآمد کردن فرهنگهای آینده یا ویرایشهای جدید فرهنگهای قدیمی شرکت می‌کند.

مادر این مقاله کوشیدیم با معرفی نظریه‌ای زبان‌شناختی و همچنین رویکردی سودمند در علوم رایانه‌ای به تحلیل جایگاه مترجمان در عرصه فرهنگ‌نگاری آینده پردازیم. شاید گروهی از خوانندگان اجرای این شیوه و پیامدهای نظری و کاربردی آن را بسیار آرمانی و دور از دسترس تلقی کنند اما واقعیت این است که چنین شیوه‌ای چند سالی است که در فرهنگ‌نگاری غرب، بویژه فرهنگ‌نگاری دوزبانه انگلیسی – (زبانهای غیر انگلیسی مانند ایتالیایی، فرانسه، نروژی و غیره) اِعمال می‌شود و ره‌آورد آن بهبود چشمگیر کیفیت فرهنگهای دوزبانه در این‌گونه جوامع است. در این میان نکته مهمی وجود دارد و آن صلاحیت مترجمانی است که فرهنگ‌نگار و متخصص پیکره‌زبانی به ترجمه‌هایشان مراجعه می‌کنند. در این مورد باید گفت مترجمی که به زبان مبدأ و زبان مقصد و رموز و ظرایف ترجمه مسلط است و توانایی خود را در این کار به اثبات رسانده است، به‌طور قطع برای ارائه معادلی متفاوت با معادلهای فرهنگهای دوزبانه توضیحات و استدلالهای کافی در اختیار دارد، همچنان که مترجمانِ مثالهای مورد اشاره ما داشتند.

توضیح: استاد ارجمند آقای دکتر مصطفی عاصی ضمن در اختیار گذاشتن منابع لازم، پیش‌نویس مقاله را مطالعه کردند و از هیچ‌گونه راهنمایی و مساعدت دریغ نورزیدند. در اینجا فرصت را مغتنم می‌شمارم و نهایت سپاس خود را از ایشان ابراز می‌دارم.

منابع

- Assi, M. (1989), "Problems of Special-purpose English-Persian Lexicography with Particular Reference to Computer Techniques", Ph.D. thesis, University of Exeter.
- Busmann, Hadumod, (1996), *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*.
- Crystal, David, (1992), *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*, Blackwell.
- Falk, Julia S., (1978) *Linguistics and Language* (Second Edition), John Wiley and Sons.
- Hartmann, R.R.K., (1980) *Contrastive Textology: Comparative Discourse Analysis in Applied Linguistics* (Studies in Descriptive Linguistics 5). Heidelberg: J. Groos.
- Hartmann, R.R.K., (1997), "From Contrastive Textology to Parallel Text Corpora: Theory and Applications" in *Language History and Linguistic Modelling*, Berlin: Mouton de Gruyter.

- Johansson, S. and K. Hofland, (1994) Towards an English-Norwegian parallel corpus in U.Fries, et al (eds.), *Creating and Using English Language Corpora* (Language and Computers 13) Amsterdam Rodopi.
- Quemada, B, (1972) "Lexicology and Lexicography" in *Current Trends in Linguistics*, vol. 9, ed T.A. Sebeok. Yhe Hague Mouton.
- Stone, W., et al, (1983), *The Short Story, An Intoduction*, McGraw-Hill Book Company.
- Thatcher, V.S. (1971), *The New Webster Encyclopedic Dictionary of the English Language*.

امامی، کریم، (۱۳۷۲)، از پست و بلند ترجمه، تهران: نشر نیلوفر.

خزاعی فر، علی (۱۳۷۴)، "آموزش ترجمه: همراه با مترجم ۴"، صص ۹-۹۴، مترجم سال پنجم، شماره‌های ۱۸ و ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۷۴.

صدری افشار، غلامحسین، نسرین حکمی، نسترن حکمی، (۱۳۷۳)، فرهنگ فارسی امروز ویرایش دوم، تهران: نشر کلمه. عاصی، مصطفی، (۱۳۷۳)، "طرحی برای تهیه فرهنگهای تخصصی با کمک کامپیوتر" در مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، علی میرعمادی، صص ۲۸۵-۲۶۷، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

معماربان، پروانه، (۱۳۷۷) "بررسی روند فرهنگ‌نگاری در ایران بر اساس رده‌بندیهای علمی" پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.